



۲۰۱۶/۰۸/۰۳



عیسی توخی

تهیه و تنظیم: ملالی نظام

روح عالی مقام توریالی اعتمادی به آفریدگارش رجعت نمود

قالو انالله و انا الیه راجعون

لحظه ایکه روح به نطفه اعطاء می نماید، برایش ابلاغ می شود که بگو که تو از آن الله هستی و واپس به او رجعت می نمایی. همین روح است که حیات انسان را در بطن مادر تکمیل و بعد از تولد هم سال های متمادی مدد حیات و مفرح ذات است و وقتی جسم خاکی را وداع نمودف به در باز آفریدگار خود رجعت نموده و حیات اخروی خود را استقبال می نماید.

انسان ها به اتکاء سه رکن رشد می نمایند، شخصیت ذاتی، تربیه والدین و آموزش اجتماعی محیطی. شخصیت ذاتی در همان لحظات اولین زندگی تعیین میگردد که اساسی ترین رکن حیاتی است. تربیه والدین و آموزش اجتماعی در تمام حیات حاصل می شود.

شخصیت ذاتی مرحوم توریالی اعتمادی به رحمت ایزدی مزین گردیده بود، به همان اساس، در تمام حیات با مهربانی و محبت بی آرایش با هر شخص و به هر سن و مقام و سویه، در همه حیات و شرائط عمل می نمودند. پدر شان غلام حیدر خان اعتمادی پسر عبدالقدوس خان اعتماد الدوله، از مأمورین سابقه و وصادق وطن بودند؛ حینیکه به حیث مدیر مأمورین وزارت داخله در زمان اعلیحضرت فقید، شاه امان الله خدمت می کردند، همکار و خادم مملکت خویش بودند. والده عالی قدر شان خواهر خود اعلیحضرت امان الله خان، شاه دخت مهربان و با کرامت بوده و توریالی اعتمادی افتخار پرورش در دامن والدین عالیقدر و ورزیده را به نعمت بردند.

مرحوم توریالی اعتمادی تعلیمات ابتدایی را در لیسه استقلال تکمیل نموده و از پوهنخی ساینس دیپلوم خود را حاصل نمودند و در مکاتب مختلفه شهر کابل، بحیث رهنما و معلم مهربان تا مدتی خدمت کردند. ایشان بعد از اخذ ماستری در علم ساینس از اضلاع متحده امریکا به وطن مراجعت و با تدریس در پوهنخی ساینس، آمریت مکاتب، ساحة ارتباط خارجه و امور فرهنگی، خدمات صادقانه ای به عمل آوردند.

در اوایل سال های شصت، بحیث آمر کلتوری در واشنگتن مقرر گردیدند، خدمات علمی، کلتوری، و معنوی برای محصلین افغان و هموطنان در چنین دوره ای، یادگار پر لطف، عارفانه و فراموش ناشدنی ای محسوب می گردد.

اینجانب برادران و فامیل محترم شان را از مدتی می شناختم، زمانیکه در صنوف هشت و نه لیسه عالی حبیبیه بودم، توریالی اعتمادی در صنوف بالا تر بیولوژی تدریس می نمودند و همان وقت بحیث یک معلم دانشمند، محترم و نهایت مهربان در حق شاگرد های خویش، شهرت داشتند.

زمانیکه در اوایل سال های شصت عضو تدریسی پوهنخی اقتصاد بودم، بعد از چند ماه همکاری و تنظیم روابط فرهنگی پوهنتون توسط مرحوم داکتر صمد حامد، رئیس پوهنتون وقت بحیث مدیر روابط فرهنگی مقرر گردیدم، در آن زمان محترم توریالی اعتمادی آمر کلتوری در واشنگتن بودند و از طریق ارتباطات کار، با هم آشنایی حاصل نمودیم و حینیکه بعد از مراجعت از واشنگتن به ریاست تعلیم و تربیه در پوهنتون کابل، مقرر گردیدند، خوشبختانه از نزدیک با ایشان ارتباط حاصل گردید که تا رحلت شان ازین جهان فانی ادامه یافت.

عالی قدر داکتر صمد حامد بر علاوه وظیفه ریاست پوهنتون، در تنظیم قانون اساسی ۱۳۴۳ و تشکیلات حکومت مرحوم داکتر محمد یوسف همکاری می نمودند، ایشان در قبولی پوهنتون بحیث یک عضو مستقل حکومت که صرف تحت نظارت شخص وزیر معارف بود، تنظیم مستقیم اداری پوهنتون، ایجاد کانکور که باعث رشد سویه در پوهنتون و معارف افغانستان گردیده و هم رهنمایی و همکاری با بنده که قانون امور روابط فرهنگی را از مجلس وزراء و کمیته معارف شورای ملی «ولسی جرگه» پاس می کردم، خدمات شایانی به پوهنتون کردند.

زمانی که محترم داکتر صمد حامد در کابینه داکتر محمد یوسف، بحیث وزیر پلان مقرر گردیدند و چوکی ریاست پوهنتون بی سرپرست ماند و باید رئیس پوهنتون به آراء شورای عالی پوهنتون انتخاب می گردید، محترم توریالی اعتمادی خود را برای وظیفه ریاست پوهنتون کاندید کردند و در جمله بقیه کاندیدان، بیشترین آراء را حاصل نموده و برای چهار سال در مقام ریاست آن تشکیل علمی انتخاب گردیدند.

در آن زمان، من وظیفه خویش را در مطابق همان درجه تحصیلات عالی اجراء می نمودم و در امور کار های اداری، به معاون علمی پوهنتون مانند گذشته، مراجعه می کردم؛ بعد از چند روزی که هجوم مراجعین و تیریک گویان کمتر گردید، به ارتباط کار اداری به ریاست پوهنتون رفتم، بعد از هدایات و نظرات عالمانه و مجرب در زمینه، محترم توریالی اعتمادی برایم گفتند که بهتر است امور روابط فرهنگی را به عوض معاون صاحب علمی، برای من بیاوری چون درین ساحه هم تجربه دارم و هم به امور روابط فرهنگی علاقمندم. در جواب عرض کردم که گفته شده است که چون رئیس پوهنتون بر علاوه کار های محوله به امور حقوقی و اداری حکومت هم مصورف اند، در مسائل روابط فرهنگی باید به معاون صاحب علمی رجوع نمایم، حال که شما می فرمایید به شما مراجعه خواهم نمود. در حالیکه من نه به طور خاص برای رئیس پوهنتون سابق کار کرده ام و نه برای شما کار می کنم، بلکه صرف منظور، خدمت به پوهنتون و اجراء امور آن می باشد؛ در حالیکه امور این شعبه را مدتیست با جدیت بصورت روزمره اجراء می نمایم، نمیخواهم کار های مراجعین معطل گردد. فرمودند که هر روز ساعت ده بجه صبح همه را اینجا بیاورید و اگر خارج پوهنتون مصروفیت داشتیم، بعد از وقت رسمی، حتماً به آن امور می پردازم.

در دوره ریاست پوهنتون، مرحوم توریالی اعتمادی انکشافات و تغییرات مثبت علمی، اداری، ارتباطات کلتوری و توأمیت ها با پوهنتون های خارجی مهم صورت گرفت. ایشان یک شخصیت صادق، نهایت کار فهم، منور، مهربان، عالم و دارای سجایای اخلاقی عالی بودند. در انتخاب و جذب اشخاص ورزیده، عالم و صادق، در تمام

پوهنځی ها و ادارات مربوطه پوهنتون و شورای عالی آن، به سوبه قابل ذکرى، آن تشکیل مهم معارف افغانى را به مدارج بالایى یک مؤسسه علمى و فرهنگى ارتقاء دادند.

بر علاوه انکشاف در مؤسسات مربوط به پوهنتون، اشخاص ورزیده از این مؤسسه مهم در حکومت دوره شاهى و در عصر شگوفان ديموکراسى، منحيث وزراى عالم و ورزیده و صادق برای پیشبرد امور مملکت، داخل خدمت گردیدند، چنانچه مرحوم توريالى اعتمادى را رئيس وزیر ساز ياد می نمود؛ حالانکه خود شان چند بار از تقبل وظیفه وزارت معذرت خواسته و در عوض، هر بار اشخاص صادق و ورزیده پوهنتون را به حکومت وقت معرفی می نمودند.

گرچه این جانب در دوره مسئولیت روابط فرهنگى در سال های شصت، با پنج رئيس پوهنتون، امور محوله و مربوطه را به اساس لایحه تحصیلات عالی اجراء می نمودم، اما در دوره ریاست محترم توريالى اعتمادى به اساس همکاری ها و رهنمائی های خردمندانه و تجارب شان، انکشاف در همه امور جهت پیشرفت خدمات علمى محصلان و استادان، صورت گرفت.

معلومات از مؤسسه فرهنگى و کلتورى «يونسکو» در موارد درجات علمى پوهنتون های جهان، شمول پوهنتون افغانستان بحيث یک مؤسسه علمى، به غرض معلومات و اشتراک در مجالس و کنفرانس های کلتورى و علمى در جهان، استفاده از سکالرشپ ها و فیلوشپ ها از مقامات مختلفه علمى و ممالک گوناگون بلاک های شرق و غرب و کشور های آزاد و بیطرف و حتى آنهايیکه از یک کشور خارج می شدند و در ممالک دومى برای شان موافقه و امتحان بورس محصلی مهیاء می گردید.

ایام خدمت مرحوم توريالى اعتمادى، به اساس قانون اساسى ورزیده و ديموکرات ۱۳۴۳-۱۹۶۴ که تعليم برای دختران و پسران افغان در داخل و خارج آزاد گردید، آنهايى که به درجه کانکور شامل پوهنتون های کابل و جلال آباد نمى گردیدند، دروازه تعليمات در مؤسسات علمى و تخنیکى خارج باز گردیده و برای آنها يى که به مصرف شخصى برای تحصیلات می رفتند، مساعدت های مشمول در مؤسسات خارجى، پاسپورت و ویژه تحصیلى اعطاء میگردید. آن گروهى که بعد از ختم پوهنتون، غرض ادامه تحصیل به پوهنتون های خارج قبول می شدند، تمديد دوره خدمت عسکرى به منظور ادامه تحصیلات عالی، کمک به دریافت پاسپورت و مساعدت های لازم، از جانب پوهنتون صورت می گرفت.

به همین منوال در تمام شعبات علمى و تدریسی و ادارى پوهنځی های پوهنتون، انکشافات گوناگون به نفع محصلین و ارتقاء امور، صورت گرفت، چنانچه که در مجموع هم در تمام مؤسسات و ادارات مملکت در چنان یک دوره مهم انکشافات و تغییرات مترقى به عمل آمد. رشد اقتصادى در سال های اخیر به ۷ - ۸ فیصد بالا رفت که بلند ترین به مقایسه با ممالک رو به انکشاف شمرده می شد؛ یک میلیون توریست با در نظر داشت امنیت و صلح در هر گوشه ای از افغانستان، بصورت سالانه به کشور ما سفر می نمودند. البته همه انکشافات و مزایای عصر ديموکراسى و قانون اساسى درین مختصر گنجایش نداشته و در مضمون علیحده ای تقدیم میگرد.

خلاصه خدمات عالمانه و عارفانه دوره مرحوم توريالى اعتمادى در ریاست پوهنتون کابل، نمونه بارزى برای دوره موجوده و آینده محصلین وطن خواهد بود.

نامبرده در سال اخیر دوره ریاست پوهنتون کابل، برای خدمت در ساحه تعلیم و تربیه جهانی، در جمله هزاران کاندید از جمله ۸۰ مملکت عضو مؤسسه فرهنگی و کلتوری «یونسکو» یکی از شعبات ملل متحد، ایشان هم خود را کاندید کردند، و در جمله اعضای هیئت مدیره آن تشکیل، قبول گردیدند که بعد از دوره خدمت به ریاست دفتر وزیر خارجه افغانستان، جهت ادامه خدمات کلتوری و علمی، برای مدت ده سال برای کار و عضویت در آن مؤسسه، عازم پاریس گردیدند.

مرحوم توریالی اعتمادی، بعد از خدمات در مؤسسه «یونسکو» و دوره تقاعد، در اثر اوضاع ناگوار مملکت مانند میلیون ها هم وطن مهاجر خویش، لاجرم با همسر و فرزندان خویش به اضلاع متحده امریکا پناه گزین گردیدند؛ چنانچه که در غربت هم علماء، اهل خبره و وطن دوستان واقعی در سایه لطف، مهمان نوازی، دوستی و روش وطن پرستانه شان جمع بودند.

شخصیت عالی مقام، مرحوم توریالی اعتمادی، عالم و عابد بودند ولی نه غرور علمی داشتند و نه انتظار مکافات عبادت، بلکه ایشان عارفی بودند با معرفت و تواضع و مردم داری... به خداوند عالمیان عقیده و ایمان خلل نا پذیری داشتند... قهر، نخوت و غرور، ماده پرستی و نفس پرستی که متأسفانه اکثراً غرق گردیده اند، در وجود شان وجود نداشت، بلکه در عوض بنده رحم دل، با سخاوت، شکسته نفس و معتقد با جهاد نفسی و پاکیزگی روانی بودند.

بعد وفات تربت ما بر زمین مجوی در سینه های مردم عارف مزار ماست

در سالهایی که به امریکا مهاجر گردیدند، روزی مضمونی را برای پروگرام تعلیمی و احیای معارف از بین رفته افغانستان تحریر می نمودند، در حالیکه از لطف بی آرایش شان در مورد همه گان یاد آور گردیدم، گفتم شما می خواهید همیشه دل همگان را خوش بسازید؛ در جواب با قلمی که در دست داشت، این شعر را تحریر نمود:

طواف کعبه چو خواهی، دلی بدست آور که آن خلیل بنا کرد و این خداوند ساخت

از همان لحظه و تمام دوران آشنایی حیات شان متوجه بودم که ایشان شخصیت عالی علمی و معنوی ای هستند که خویش را در طریقت دل معطوف نموده است، طوریکه هرگز ازین طریقت عدول ننمودند، چنانچه اوصاف ترک قهر و هوس، غرور و مادی پرستی و نفس پرستی، داشتن تواضع و مهربانی و... همه در وجود شان تمرکز داشت که در نزد پروردگار درجات عالی شان اخروی دارد.

در اخیر حیات که دختر شان خانم مریم اعتمادی با اوشان بودند و در سال های مهاجرت مصدر خدمات بیشایبه برای والدین گردیده بودند، در چنان لحظاتی، پدر بزرگوار برای تسلی دل فرزند و ممنونیت از خدمات وی، دعای بهشت برین را برای وی ارزانی نمودند. یاد عالیقدر مرحوم تور جان اعتمادی، گرامی، روان پاک شان شاد و درجات مقام ارزشمند دربار الهی نصیب شان باد. آمین.

این مختصر به مناسبت چهلمین روز وفات شخصیت علمی و کلتوری، مرحوم توریالی اعتمادی تحریر گردید.

محمد عیسی توخی - سنتا باربارا - کلیفورنیا

پایان